

بررسی میزان کارایی نظریه انسجام هالیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی دعای صباح

پریسا کاظمی^۱
جواد رنجبر^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۲۶

چکیده

یکی از مباحث زبان‌شناسی نقش‌گرا، نظریه انسجام متنی است که انسجام و یکپارچگی را عامل اصلی معناداری و متنیت هر متن می‌داند. این نظریه به تحلیل عواملی می‌پردازد که عناصر سازنده متن را به یکدیگر مرتبط ساخته و موجب انسجام و پیوستگی آن می‌شوند. الگوی این نظریه را مایکل هالیدی و رقیه حسن در سال ۱۹۷۶م، ارائه کردند. آنان عناصر انسجام متنی را به سه دسته واژگانی، دستوری و پیوندی تقسیم کرده‌اند. هریک از این عناصر نیز خود به چند زیرگروه تقسیم می‌شوند که حضور آن‌ها در متن، موجب انسجام و ارتباط میان اجزای سازنده آن می‌گردد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تحلیل عناصر انسجام متنی در دعای صباح امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و تبیین ویژگی‌های منحصر به فرد هم‌آیی در این دعای شریف، در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی است: عوامل انسجام متنی در دعای صباح کدام‌اند؟ و کدام یک از این عوامل از بسامد بیشتری برخوردار است؟ عناصر ایجادکننده انسجام متنی در دعای صباح در سه دسته جای می‌گیرند. عامل واژگانی شامل تکرار، شمول معنایی و هم‌آیی است که هریک چندین زیرمجموعه را دربرمی‌گیرد. عامل دستوری نیز در سه صورت ارجاع، حذف و جایگزینی در انسجام متنی دعا نقش‌آفرینی می‌کند. همچنین عامل پیوندی، شامل انسجام پیوندی تشریحی، افزایشی و گسترشی (روابط اضافی، سببی، تقابلی و زمانی)، در پیوستگی و انسجام دعا مؤثر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عوامل دستوری

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور تهران (Kazemi.pa@fh.lu.ac.ir).

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور تهران (j.ranjbar@pnu.ac.ir).

و پیوندی نقش اساسی در پیوستگی و انسجام این دعا دارند. در میان این عوامل، به ترتیب عناصر دستوری - پیوندی با فراوانی ۸۱ درصد و عناصر واژگانی با فراوانی نوزده درصد در متن دعا به کار رفته‌اند. بسامد بالای انسجام دستوری و پیوندی، به ویژه رابطه اضافی، در سراسر دعا مشهود است. رابطه اضافی همچون زنجیره‌ای، عبارت‌های دعا را به یکدیگر متصل می‌کند؛ به گونه‌ای که این عنصر بیشترین تأثیر را در ایجاد انسجام متنی دعا بر عهده دارد.

کلیدواژه‌ها: دعای صباح، نظریه انسجام، انسجام دستوری، انسجام پیوندی.

۱. مقدمه

زبان‌شناسی متن یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید زبان‌شناسی است که به مطالعه ویژگی‌های متن، از جمله عواملی که سبب می‌شوند یک نوشتار «متن» تلقی شود، می‌پردازد. این شاخه در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که متن چیست و چگونه شکل می‌گیرد. همچنین وظیفه آن بررسی قواعد زبانی فراتر از سطح جمله و عبارت است. از این رو، واحدهای زبانی در سطح متن مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

یکی از جنبه‌های مهم تحلیل گفتمان، مطالعه چگونگی شکل‌گیری متن و نحوه ایجاد ارتباط میان اجزا و عناصر آن است که از آن با عنوان «انسجام» یاد می‌شود. انسجام رویکردی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و متن را از غیرمتن متمایز می‌سازد. بر اساس این نظریه، روابط معنایی، دستوری، لفظی و منطقی موجب شکل‌گیری انسجام در متن می‌شوند و انسجام متنی در سه مقوله کلان دستوری، واژگانی و پیوندی طبقه‌بندی می‌گردد.

انسجام دستوری شامل عواملی همچون ارجاع، جانشینی و حذف است؛ در حالی که دو زیرمقوله بازایی و هم‌آیی، سازنده انسجام واژگانی به شمار می‌روند. هریک از مؤلفه‌های انسجام دستوری غیرساختاری، یعنی ارجاع، حذف، جانشینی و ربط، در کنار سایر عوامل انسجام، به پیوستگی و یکپارچگی متن می‌انجامند.

مایکل هلیدی و رقیه حسن، به عنوان بنیان‌گذاران نظریه انسجام، حفظ تعادل ترجمه‌ای در سطح واحدهای واژگانی - دستوری را مهم‌ترین دغدغه مترجم می‌دانند.^۱ آشکار است که چنین تعادل ترجمه‌ای تنها به انتقال واحدهای دستوری دو متن محدود

نمی‌شود، بلکه افزون بر آن، باید این برابری در عوامل انسجام بخش میان واحدهای دستوری نیز رعایت گردد. حضور هر یک از این مؤلفه‌ها در کنار دیگر عوامل ساختاری متن، موجب پیوستگی و یکپارچگی آن شده و در نهایت به متن بودگی آن می‌انجامد. برخی از محققان، انسجام را وسیله‌ای برای تداوم صوری متن معرفی کرده و آن را با ساختار ظاهری و سطحی متن مرتبط می‌دانند. بنابراین، آنچه انسجام و ساختار یک اثر ادبی را شکل می‌دهد، ارتباط معنایی، لفظی، نحوی و دیگر پیوندهای موجود میان اجزای تشکیل دهنده متن است. عناصر انسجام متنی و روابط میان جمله‌ای از دیدگاه هلیدی و رقیه حسن به سه دسته تقسیم می‌شوند:

الف) عوامل واژگانی: شامل تکرار، باهم‌آیی و حوزه‌های معنایی است.

ب) عوامل دستوری: شامل ارجاع، جایگزینی و حذف است.

ج) عوامل پیوندی: شامل حروف ربط است.

بررسی این عناصر در هر زبان و متنی امکان‌پذیر است؛ زیرا به وسیله آن، ارتباط میان عبارات و واژگان در دو متن بررسی می‌شود. به دلیل تناسب میان اجزا و مؤلفه‌های معنایی مشترک در ادعیه، به ویژه دعای صباح، متنی منسجم و منظم شکل گرفته است. از آنجا که یکی از مؤلفه‌های مهم در متنیت این متون و در نتیجه فهم معنای آن‌ها، مبحث انسجام است، می‌توان آن را بر اساس الگوی انسجام هلیدی و حسن مورد بررسی قرار داد. مقاله حاضر نیز این عوامل را در دعای صباح بررسی می‌کند.

متون دینی، با توجه به جایگاهی که در فرهنگ ما دارند، از دیرباز مورد توجه محققان و پژوهشگران قرار گرفته‌اند. از این میان، با توجه به فصاحت و شیوایی بیان امام علی (ع) در دعای صباح، ارزیابی مؤلفه‌های نوین زبان‌شناختی در چنین اثری، با هدف نمایاندن لایه‌های زبانی پنهان آن، می‌تواند ارزش دوچندان این اثر را برای مخاطب آشکارتر و برجسته‌تر سازد.

پرسش‌های پژوهش

اساساً این پژوهش مبتنی بر پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱. عناصر و ابزارهای آفریننده انسجام متنی در دعای صباح کدام‌اند؟

۲. کدام یک از عوامل انسجام متنی در دعای صباح از بسامد بیشتری برخوردار است؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

بر اساس مطالعات و بررسی‌هایی که نویسندگان این جستار انجام داده‌اند، پژوهش‌های

متعددی با موضوع «نظریه انسجام متن» و از منظرهای گوناگون به رشته تحریر درآمده است؛ اما پژوهش مستقلی که محور اصلی آن «بررسی میزان کارایی نظریه انسجام هلیدی و حسن در تبیین انسجام متنی دعای صباح» باشد، یافت نشد. از این رو، وجه تمایز این نوشتار از پژوهش‌های پیشین، تحلیل زبانی، تبیین ویژگی‌های متنی دعای صباح و واکاوی متنیت آن با بهره‌گیری از نظریه انسجام است.

برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع، که نگارندگان این نوشتار متناسب با نیاز پژوهش از آن‌ها بهره برده‌اند، به شرح زیر است:

- مقاله «کارایی نظریه هلیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل» اثر ابراهیمی و رضایی (۱۳۹۹). در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، انسجام و پیوستگی متن سوره مبارکه «مزمل» بر اساس الگوی مایکل هلیدی و نظریه مکمل رقیه حسن با عنوان «همانگی انسجام» به صورت کمی بررسی شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در این سوره، انواع عوامل انسجامی در هر سه سطح وجود دارد: «انسجام واژگانی» که شامل انواع تکرار (لفظی، معنایی، ساختار ترکیبی و آوایی) و انواع باهم‌آیی (مراعات نظیر و تضاد) است؛ «انسجام دستوری» که شامل انواع ارجاع، جایگزینی و حذف می‌شود؛ و «انسجام پیوندی» که در قالب حروف ربط نمود یافته است.

- مقاله «انسجام پیوندی و جلوه‌های زیبایی‌شناختی آن در مقامه "ساویه" حریری بر اساس نظریه هلیدی و حسن»؛ اثر پیرانی شال و همکاران (۱۳۹۷). در این مقاله، نویسندگان با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، عنصر انسجام پیوندی و زیرشاخه‌های آن، شامل پیوندهای اضافی، سببی، تقابلی و زمانی، را از منظر جنبه‌های زیبایی‌شناختی و انسجام معنایی بررسی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این مقامه، عنصر انسجام پیوندی نقشی به مراتب مهم‌تر از عناصر واژگانی و دستوری ایفا کرده است. این عنصر، افزون بر ایجاد پیوستگی متن، موجب توازن نحوی و وحدت آوایی جمله‌ها شده و در کنار کارکردهای زیبایی‌شناختی، به افزایش توان معنایی متن نیز کمک کرده است.

- مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل بر اساس نظریه هلیدی و حسن»؛ نوشته امرایی و همکاران (۱۳۹۶). در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و از رهگذر بررسی مقایسه‌ای متن مبدأ و مقصد، عوامل انسجام و میزان تحقق آن‌ها در متن سوره علق و ترجمه آن بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان

می‌دهد که عامل انسجامی «تکرار» در متن سوره و ترجمه آن، پس از عوامل واژگانی، و نیز عناصر جانمایی و حذف، از بالاترین بسامد برخوردار است.

- مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره طارق و ترجمه آن از مهدی فولادوند از دیدگاه هلیدی و حسن»؛ نوشته وکیلی و امرایی (۱۳۹۶). این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در آن عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی در سوره طارق به صورت گزینشی و استقرایی تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که با وجود تفاوت‌هایی در نسبت عناصر واژگانی و دستوری متون مبدأ و مقصد، هر دو متن از انسجام کافی برخوردارند. همچنین، تمامی عوامل و ابزارهای انسجام واژگانی و دستوری، با وجود برخی تفاوت‌ها و شباهت‌ها، در هر دو متن حضور دارند. نتایج پژوهش همچنین نشان می‌دهد که بسامد تعامل واژگانی الفاظ در متن سوره، بیش از ترجمه منتخب آن است.

- مقاله «بررسی تطبیقی عناصر انسجام متنی در سوره مبارکه ناس و ترجمه فارسی آن بر پایه نظریه انسجام متن هلیدی و حسن»؛ نوشته اورکی و ویسی (۱۳۹۵). در این مقاله، عناصر انسجام متنی سوره ناس در مقایسه با ترجمه فارسی آن از مهدی الهی قمشه‌ای، بر اساس مبانی نظری پژوهش و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و آماری بررسی شده است. تحلیل داده‌ها در چارچوب نظری تحقیق نشان داد که با وجود برخی تفاوت‌ها و شباهت‌ها در به کارگیری عوامل دستوری و واژگانی، هر دو متن سوره ناس و ترجمه فارسی آن از انسجام بالایی برخوردارند. همچنین، بیشترین بسامد عناصر انسجامی در هر دو متن به عناصر واژگانی اختصاص دارد.

- مقاله «لایه‌های سبک‌شناسی شرح دعای صباح آقانجفی قوچانی»؛ اثر بلاوی و غفوری‌فر (۱۳۹۵). در این پژوهش، عناصر سبکی شرح دعای صباح آقانجفی در سه سطح زبانی (آوایی، واژگانی و نحوی)، ادبی (صنایع بدیعی و بیانی) و فکری، و نیز میزان انسجام این سطوح با یکدیگر، به شیوه‌ای توصیفی - تحلیلی بررسی و تحلیل شده است. هدف از این پژوهش، دستیابی به شناختی دقیق‌تر و عمیق‌تر از این شرح و تبیین زیبایی‌ها و ارزش‌های ادبی آن از رهگذر تحلیل این عوامل بوده است.

- مقاله «بینامتنیت قرآن در گنجینه دعای صباح»؛ اثر مهدی‌زاده و دیگران (۱۳۹۳). نویسندگان این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، مضامین مطرح شده در دعای صباح را از منظر نظریه بینامتنیت و در پرتو آیات و واژگان قرآن کریم بررسی کرده و مصادیق

روابط بینامتنی موجود میان این دعا و قرآن را مورد کاوش قرار داده‌اند. این مقاله در همایش ملی «بینامتنیت (التناص)» منتشر شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سیاق بلاغی دعای صباح با نهج البلاغه و دیگر ادعیه و روایات منسوب به امام علی (ع) از وحدت اسلوبی برخوردار است و این همسانی سبکی می‌تواند قرینه‌ای معتبر بر انتساب این دعا به آن حضرت باشد.

۲. ادبیات نظری پژوهش

۲-۱. نظریه انسجام متنی

از دیدگاه هلیدی و حسن، انسجام متن شامل تمامی روابط معنایی‌ای است که به واسطه آن‌ها هر بخش از گفتار یا نوشتار می‌تواند نقش یک متن را ایفا کند. از این رو، انسجام به مجموعه روابطی اطلاق می‌شود که عناصر یک جمله را به عناصر جملات دیگر پیوند می‌دهد.^۱

در این نظریه، معنا به خودی خود امکان بروز و ظهور ندارد و به صورت خام در قالب اصوات زبان متجلی نمی‌شود؛ بلکه برای آنکه توده آوایی زبان به شکلی مادی و قابل درک درآید، باید سازمان‌دهی شده و در قالب ساختار نمود یابد. این فرایند در لایه واژگانی - دستوری زبان رخ می‌دهد؛ لایه‌ای که صورت یا شکل زبان را پدید می‌آورد.

چگونگی بازنمایی و تحقق معنا در صورت زبان، به محدودیت‌های نظام زبان و ویژگی‌های زنجیره‌ای آن وابسته است. معنا، به مثابه یک پیوستار مفهومی، برای بازنمایی در زنجیره کلام به واحدهایی تقسیم می‌شود که میان آن‌ها روابطی برقرار است. مبنای این فرایند، سازمان‌دهی معنا و ایجاد انسجام در گفتار است که در دو سطح دستوری و واژگانی تحقق می‌یابد.^۲

هلیدی و حسن روابط میان جمله‌ای موجود در متن را «انسجام متنی» نامیده و آن را چنین تعریف کرده‌اند:

انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به عنوان یک متن، از غیر متن متمایز می‌سازد.

هلیدی بر این باور است که انسجام به صورت بالقوه در عناصر نظام زبانی، همچون

1. An introduction to functional Grammar, 534

۲. «کارایی نظریه هلیدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل»، ص ۱۴.

ارجاع، حذف، جانشینی و سایر سازوکارهای درون زبانی، نهفته است. باین حال، تحقق عینی انسجام در هر متن صرفاً به انتخاب گزینه‌هایی از این عناصر وابسته نیست؛ بلکه به حضور عناصر دیگری نیز بستگی دارد که در قالب «گره» شکل می‌گیرند و سپس از طریق برقراری ارتباط میان آن‌ها، «زنجیره‌های انسجامی» پدید می‌آیند.^۱

بر اساس مبانی نظری هلیدی و حسن، عوامل انسجام متن به شرح زیر است:
الف) نظام واژگانی - دستوری که شامل تکرار، هم‌آیی، ارجاع، جایگزینی و حذف است و به عملکرد ساختار دستوری زبان مربوط می‌شود. نحوه ارتباط نظام معنایی با نظام واژگانی - دستوری به این صورت است که هر یک از این نقش‌ها به عنوان سطحی کلان، بخشی از نظام واژگانی - دستوری را پوشش می‌دهد.

ب) نظام پیوندی که همان حروف ربط را دربرمی‌گیرد. این نظام به ایجاد روابط منطقی میان اجزای متن و تبیین پیوند میان پدیده‌ها و اشیاء می‌پردازد. در این فرآیند، چگونگی اشیاء و پدیده‌ها و نیز روابط میان آن‌ها بیان می‌شود. برای مثال، نسبت دادن ویژگی یا حالت به شخص یا شیء از طریق فرآیند ربطی بیان می‌گردد. این گونه فرآیندها معمولاً با افعالی مانند «بودن»، «به نظر رسیدن»، «شدن» یا «داشتن» همراه هستند.^۲

۲-۲. عوامل انسجام متنی در دعای صباح

انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود میان عناصر اشاره و شناسایی متن از غیر متن را میسر می‌سازد.^۳ انسجام زمانی برقرار می‌شود که تعبیر و تفسیر عناصری از متن به تعبیر و تفسیر دیگر عناصر متن وابسته باشد؛ یعنی یک عنصر عنصر دیگر را پیش فرض خود قرار دهد و بدون مراجعه به آن فهمیده نشود.^۴

این نظریه در حوزه مطالعات متن‌شناسی، عنصر انسجام را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری متن معرفی کرده و به بررسی سازوکارهای انسجام در متن می‌پردازد. با توجه به پژوهش‌های هلیدی و حسن در ساختار متنی و روابط میان جمله‌ای، می‌توان گفت عناصر انسجام در سه دسته دستوری، واژگانی و پیوندی طبقه‌بندی می‌شوند. در ادامه، این عناصر در دعای صباح بررسی و تحلیل خواهند شد.

۱. زبان، بافت و متن، ص ۳۸.

۲. همان، ص ۱۱۲-۱۱۴.

3. Cohesion in English, 4

4. Cohesion in English, 10

دعای شریف صباح نخستین بار در کتاب مفاتیح الجنان از علی بن الحسین بن حسان بن الباقي القرشي الحلی (م ۶۵۳ق) در اختیار المصباح روایت شده است.^۱ این دعا در بردارنده مضامین ناب عرفانی است که محور اصلی آن، معبود هستی است. متکلم در قالب دعا به هدایت خلق پرداخته و از طریق معرفی جوهره دین (خداوند متعال) و تبیین راه‌های دستیابی به رضایت او، طالبان وصول به معبود هستی را راهنمایی کرده و به زیباترین شیوه، اسرار و رموز خداشناسی را بیان کرده است. این دعا، علاوه بر برخورداری از شرافت روایی ویژه، کلید ابواب علم، حکمت و آداب را به خواننده ژرف‌اندیش ارائه می‌کند. از همین رو امام علیه السلام آن را «مفتاح فتوح النجاح» و «رمز کنوز الفلاح» نامیده است (نسخه خطی، رقم ۶۱۲۸/۱، ستون سمت چپ، ۳).

۲-۲-۱. انسجام واژگانی^۲

انسجام واژگانی شامل روابط بین عناصر واژگانی است.^۳ تنوعی از انسجام مبتنی بر رابطه‌ای است که واحدهای واژگانی زبان به نظر محتوای معنایشان با یکدیگر دارند.^۴ انسجام واژگانی با ذکر کلمات مشابه شکل می‌گیرد. محتوای هر گفتار و نوشتار این موضوع را تأمین می‌کند. برای مثال متکلمی که از شب و روز صحبت می‌کند، به ناچار از کلماتی مانند شب، شب مهتابی، روز، روز ابری، روز آفتابی و مانند آن‌ها استفاده می‌کند. ذکر این کلمات در نوشتار انسجامی را ایجاد می‌کند که خواننده را در محیط اطلاعاتی ویژه‌ای قرار می‌دهد. انسجام واژگانی در متن در دو سطح بررسی می‌شود:

الف: در سطح جمله یعنی کلمات با رابطه معنایی در یک عبارت بررسی می‌شود.

ب: در سطح متن: در این سطح واژگانی که بین جملات متفاوت در سرتاسر متن با هم رابطه معنایی دارند، بررسی می‌شوند. بررسی روابط واژگان در این سطح انسجام متنی را نشان می‌دهد. این انسجام به دو صورت تکرار و باهم‌آیی شکل می‌گیرد.

۲-۲-۲. تکرار

یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام واژگانی تکرار است. در این عامل انسجام عناصری از

۱. روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، ج ۵، ص ۱۴.

2. Lexical cohesion

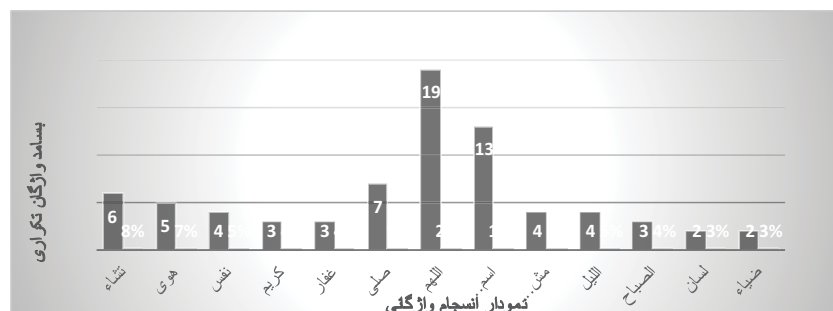
3. Cohesion in English, 537.

۴. زبان، بافت و متن، ص ۱۷۷.

جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شوند.^۱ تکرار به عوامل مختلفی تقسیم می‌شود^۲ که مهم‌ترین تکرار همان تکرار کلمه است. در این زمینه مفهوم، جمله یا کلمه‌ای ویژه به صورت آگاهانه در متن تکرار می‌شود که این تکرار در بردارنده مسائل ایدئولوژیک است. تکرار سبب نمایش بیشتر موضوع متن می‌شود و مخاطب با دیدن کلمات تکراری، به منظور نویسنده و یا گوینده پی می‌برد. تکرار در دعای صباح به دو گونه است:

۲-۲-۱-۱. تکرار لفظی

تکرار لفظی یعنی یک واژه یا مشتقات آن در متن تکرار شود. شامل دو نوع است: الف: تکرار تام (یعنی یک واژه بدون این‌که تغییر کند، در متن تکرار شود).
ب: تکرار جزئی: (منظور تکرار مشتقات یک ریشه است). در دعای صباح بعضی از واژگان تکراری عیناً تکرار شده‌اند و بعضی کلمات تکراری از یک ریشه مشتق شده‌اند. در جدول زیر بسامد واژگان تکراری را بررسی می‌نماییم.



امام علیه السلام با تکرار واژه «تشاء» علت توسل و اصرار به درگاه الهی را چنین بیان می‌فرماید که خداوند فاعل لما یشاء است و مؤید این فرمایش ایشان آیه قرآن است که می‌فرماید إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُشَاءُ.^۳ امام علیه السلام برای تأیید این سخن که هیچ امری خارج از اراده خداوند نیست، واژه تشاء را شش بار در متن دعا تکرار نموده‌اند.

واژگان تکراری در دعای صباح به صورت اسمی و فعلی به کار رفته‌اند. این واژگان نقش مهمی در انسجام دعا دارند و موجب شکل‌گیری ارتباطی خاص میان عبارت‌ها شده‌اند.

۱. رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی، ص ۱۰.

2. Cohesion in English, 278.

۳. سوره حج، آیه ۲۲.

تکرار شش باره واژه «تشاء» قدرت و عظمت خداوند را به تصویر می‌کشد. بسامد بالای این تکرار، درک مفهوم دعا را برای خواننده آسان می‌سازد؛ زیرا مخاطب در بسیاری از عبارات با واژگانی روبه‌رو می‌شود که پیش‌تر آن‌ها را دیده و با آن‌ها آشناست، و به محض تکرار دوباره، عبارات‌های پیشین در ذهن او تداعی می‌شوند.

همچنین در متن دعا، ندا با بسامد بالایی به کار رفته و غالباً با الفاظی چون «إلهی»، «اللهم» و «یا» (۳۵ بار) تکرار شده است که نشان‌دهنده شوق و اشتیاق گوینده نسبت به مخاطب خویش است. این شوق حاصل از تکرار، بیانگر عمق رابطه خالصانه با معبود است. در ادامه، به نمونه‌هایی از عبارات مناجات اشاره می‌کنیم:

۱. اللَّهُمَّ يَا مَنْ ذَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ يُنْطِقُ تَبْلُجِهِ؛

خدایا، ای کسی که بیرون کشید زبان صبحدم را به بیان تابناک آن.

۲. «صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الْأَلْوَلِ؛

درود فرست بر آن راهنمای به سوی تودر شب بسیار تاریک.

۳. «إِلَهِي أَتَرَانِي مَا أَتَيْتُكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الْأَمَلِ؛

خدایا، توبه خوبی مرا می‌بینی که نزدت نیامدم جز از راه آرزوها.

۵. «إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ؛

خدایا، دلم در پرده است.

همان‌طور که در این عبارات مشاهده می‌شود، واژه‌های «اللهم» و «إلهی» به صورت جداگانه بارها در متن دعا تکرار شده‌اند. هدف از این تکرار، ایجاد نوعی تلذذ معنوی است که هنگام برزبان آوردن این واژه‌ها احساس می‌شود؛ به گونه‌ای که هرچه میزان تکرار آن‌ها بیشتر باشد، این لذت نیز افزایش می‌یابد. متکلم با بهره‌گیری از صنعت ادبی ندا، عبارات خود را با منادا آغاز می‌کند که مقتضای حال است و این تکرار، برای تأکید و تبیین این نکته به کار رفته است که تنها مبدأ امید و رجا خداوند است. این تکرار لذت بخش و روح‌افزا، زمینه انسجام متن را نیز فراهم آورده است.

۲-۲-۱-۲. تکرار معنایی

کلماتی که در یک عبارت به کار می‌روند می‌توانند از نظر معنایی با یکدیگر در ارتباط باشند و در واقع نوعی انسجام معنایی ایجاد کنند. این پیوند معنایی میان واژگان و نیز تکرار آن‌ها در متن، به انسجام هرچه بیشتر متن کمک می‌کند. تکرار معنایی به معنای تکرار یک

مفهوم با واژگان متفاوت، و نه یکسان، است. این نوع تکرار دارای انواع مختلفی است؛ از جمله شمول معنایی و هم معنایی (ترادف).

۲-۲-۲. شمول معنایی

شمول معنایی عبارت است از حالتی که یک معنا به گونه‌ای باشد که چند معنای دیگر را در درون خود دربرگیرد. در این حالت، واژه‌هایی به کار می‌روند که از نظر معنا و مفهوم، کلمه یا کلماتی را در زیرمجموعه حوزه معنایی خود قرار می‌دهند. در دعای صباح بیش از ده مورد از شمول معنایی استفاده شده است که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌کنیم:

۶. وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ... يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ.

در این عبارت، واژه «أسماء» دارای شمول معنایی است. مراد از «أسماء»، واژگانی است که بر ذات مقدس حق تعالی دلالت می‌کنند و شامل واژگانی همچون «نور»، «قُدُّوس»، «أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ» و «آخِرَ الْآخِرِينَ» می‌شود که همگی از نام‌های مقدس خداوند هستند. بنابراین، واژه «أسماء» دارای شمول است و تمامی نام‌های الهی را دربر می‌گیرد.

۲-۲-۳. هم معنایی

از ترادف یا هم معنایی در ادعیه به صورت گسترده استفاده شده است. هم معنایی به معنای به کارگیری واژه‌هایی است که دارای مفهوم مشابه یا نزدیک به یکدیگر هستند. می‌توان ادعا کرد که هم معنایی مطلق در میان واژگان وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که دقیقاً معنای یکسانی داشته باشند؛ زیرا هر واژه در کاربرد خود، تفاوت‌های ظریف معنایی و موقعیتی دارد.

هلیدی هم معنایی را یکی از شیوه‌های ایجاد انسجام در متن می‌داند. این واژه‌ها با بار معنایی مشابهی که دارند، در کل متن مانند یک واحد معنایی عمل می‌کنند. امام علی علیه السلام در این دعا بیش از پانزده بار از واژه‌های مختلف با معنای مشابه استفاده کرده است. به عنوان نمونه، به عبارتی که در آن واژه‌های هم معنا به کار رفته‌اند، اشاره می‌کنیم:

۷. يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادٍ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ وَأَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنِّهِ وَإِحْسَانِهِ؛

ای کسی که مرا در گهواره آرامش و امنیت خود به خواب بردی و برای بهره‌مندی از نعمت‌ها و بخشش‌های بی دریغش که به من ارزانی داشته، بیدارم کردی.

امام علیه السلام با ذکر این واژگان هم معنا، این معنا را در ذهن خواننده تداعی می‌کند که گردش

جهان با عظمت، فضل و احسان الهی و در سایه امنیت اوست؛ به گونه‌ای که اگر لحظه‌ای لطف و احسان او از عالم برداشته شود، نظم هستی دچار دگرگونی خواهد شد. این واژگان با تکرار هدفمند خود، به انسجام متن کمک کرده‌اند. همچنین ایشان در عبارت «فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّ كُنْتُ أَجْرَمُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَائِي» با بهره‌گیری از واژگان هم‌معنا، برگناهم‌کار بودن انسان تأکید کرده و از خداوند طلب آموزش می‌نماید.

نکته مهم در به کارگیری واژگان هم‌معنا و شبه هم‌معنا این است که این شیوه در واقع در امتداد نقش انسجامی تکرار قرار می‌گیرد، با این تفاوت که در حوزه هم‌معنایی، با استفاده از واژگان متفاوت از تکرار یک لفظ واحد جلوگیری می‌شود؛ امری که هم از یکنواختی متن می‌کاهد و هم نشان‌دهنده توانایی نویسنده در بهره‌گیری از تنوع واژگانی است. این نوع تکرار نیز از عوامل مهم انسجام بخش متن به شمار می‌رود.

می‌توان گفت واژگان هم‌معنا در هماهنگی با محور کلی دعا قرار دارند. امام علیه السلام با برجسته‌سازی این واژه‌ها، از یک سو به متن جذابیت بخشیده و از سوی دیگر انسجام آن را تقویت کرده است.

۲-۲-۲-۴. باهم‌آیی

یکی دیگر از عوامل انسجام بخش در متن، باهم‌آیی است. منظور از باهم‌آیی، ارتباط داشتن مجموعه‌ای از عوامل واژگانی مشخص در چارچوب موضوع یک متن است که موجب ایجاد پیوند میان جمله‌های آن متن می‌شود. باهم‌آیی به معنای کنار هم قرار گرفتن کلماتی است که رابطه‌ای قوی میان آن‌ها وجود دارد و همین رابطه، آن‌ها را به هم نشینی در متن سوق می‌دهد؛ مانند رابطه‌ای که میان واژه‌های «شب» و «روز» وجود دارد. گاهی این پیوند به اندازه‌ای است که با شنیدن یک واژه، واژه دیگر در ذهن تداعی می‌شود. این روابط معنایی میان واژه‌ها، که از عوامل انسجام و پیوستگی متن به شمار می‌روند، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۲-۲-۴-۱. تضاد

تضاد معنایی همان ناسازگاری مفهومی است. می‌توان گفت یکی از صورت‌های ایجاد وحدت در متن، تضاد است؛ زیرا معانی و مفاهیم هم از طریق شباهت و نزدیکی و هم از طریق تقابل و تضاد می‌توانند با یکدیگر در ارتباط قرار گیرند و انسجام ایجاد کنند. تضاد، علاوه بر ایجاد هماهنگی درونی در متن، نوعی موسیقی پنهان و اثرگذار نیز به وجود می‌آورد.

وجود تضاد در متن، افزون بر تقویت انسجام، زیبایی‌های خاصی نیز به همراه دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به انبساط خاطر و تداعی ذهنی اشاره کرد؛ به این معنا که حضور یک واژه در ذهن، به واسطه رابطه تضاد، واژه متقابل آن را نیز در ذهن فعال می‌کند و ذهن میان این دو مفهوم ارتباط برقرار می‌سازد. این آرایه ادبی به طور چشمگیری در دعای صباح به کار رفته است و تضاد در این دعا به دو صورت مورد استفاده قرار گرفته است:

الف. تضاد بین افعال

۸. يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَ بَعَدَ عَنْ لَحْظَاتِ الْعُيُونِ؛

ای کسی که به خطورهای گمان‌ها نزدیک است، اما از دیدگان و نگاه‌ها دور است.

۹. يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مَهَادٍ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ وَ أَيْقَظَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَ إِحْسَانِهِ؛

ای کسی که مرا در گهواره امنیت و آسایش خود به خواب برد و برای بهره‌مندی از نعمت‌ها و بخشش‌های بی‌دریغش که به من عطا کرده، بیدارم ساخت.

ب. تضاد بین اسماء

۱۰. تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ؛

شب را در روز درمی‌آوری و روز را در شب داخل می‌کنی. زنده را از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی.

در این عبارات، میان فعل‌های «قَرَّبَ» و «بَعَدَ»، و نیز «أَرْقَدَنِي» و «أَيْقَظَنِي»، همچنین میان اسم‌های «اللَّيْلَ» و «النَّهَارَ» و «الْحَيَّ» و «الْمَيِّتَ» تضاد معنایی برقرار است.

تضاد معنایی بیش از بیست بار در دعای صباح به کار رفته است. امام علیه السلام با بهره‌گیری از این شگرد بیانی، اعتقادات دینی خود را درباره دعا و تمسک به خداوند بیان می‌کند و با نشان دادن تقابل مفاهیم، سخن خود را اثرگذارتر می‌سازد. این شیوه موجب جذب بیشتر مخاطب شده و به انتقال دقیق‌تر معنا کمک می‌کند. امام علیه السلام با به کارگیری این واژگان، مقصود خود را جامع‌تر و روشن‌تر بیان می‌کند؛ امری که به برقراری ارتباط با مخاطب و القای آسان‌تر معنا در ذهن او می‌انجامد. بهره‌گیری از عنصر تضاد در نهایت به انسجام و یکپارچگی متن دعا کمک کرده است.

در نمودار زیر، بسامد تکرار روابط معنایی را مشاهده می‌کنیم:



واژه‌های به کاررفته در دعا از رابطه معنایی قوی برخوردارند و متنی منسجم و هماهنگ را پدید آورده‌اند. آنچه در این میان جلب توجه می‌کند این است که استفاده از واژگانی با بار معنایی نزدیک به هم و در یک حوزه معنایی، موجب ایجاد نوعی موسیقی درونی در متن شده که جذابیت آن را دوچندان کرده و آن را در ذهن خواننده ماندگار می‌سازد. این پیوندهای انسجامی میان واژگان، کلام امام علیه السلام را گیرا، روان و اثرگذار کرده و در نهایت انسجام متنی زیبایی را در سراسر دعا ایجاد کرده است.

۳-۲. انسجام دستوری^۱

انسجام دستوری به سه بخش ارجاع،^۲ حذف^۳ و جایگزینی^۴ تقسیم می‌شود.

۳-۲-۱. ارجاع

ارجاع با ایجاد پیوند بین عناصر متن انسجام ایجاد می‌کند.^۵ گاهی لازم است برای تفسیر برخی واژگان در متن، واژگان دیگر در همان متن تعبیر و تفسیر شود. برای فهم آن‌ها باید به مراجع آن‌ها مراجعه کرد. ارجاع در متن با ضمیر، اسم موصول و اسم اشاره صورت می‌گیرد و به دو

1. grammatical cohesion

2. Reference

3. Ellipsis

4. substitution

5. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 535.

صورت پیش مرجع و پس مرجع است. ارجاع از رایج ترین عوامل انسجام متنی در زبان عربی است و با برقراری رابطه بین کلمات و جملات مختلف نقشی مهم در انسجام متنی ایفا می کند. ارجاع به دوروش درون متنی و برون متنی صورت می گیرد.^۱ لازم به ذکر است که ارجاع برون متنی تأثیری در انسجام بخشی متن ندارد.^۲ ارجاع در دعای صباح به شرح ذیل است:

ضمایر	مرجع ضمایر
ضمیر مستتر در ۲۶ فعل امرو مضارع: (صَلَّ، افْتَح، اَلْبَس، اَغْرَس، اَجْر، اَدَب، تَرَانِی، اِجْعَل، اِصْفَح، اَقْلَنِی، تَطْرُد، تَخِیْب، تَرَدِّ، تَوْتِی، تَشَاء، تَنْزِع، تَعَزُّ، تَذُلُّ، تُولِج، تَخْرُجْ، تَزْرُق، اِسْتَجِب، حَقِّقْ، اِغْفِر، اِسْمِع، تَمَارَس	الله
ضمیر مخاطب «ک» ۳۸ بار: اِلِیک «چهار مرتبه»، اَسْبَابِک، عَظْمَتِک، هِیِّتِک، مَنَک، اَنَاتِک، نَصْرُک، خَذْلَانِک، اُتِیتِک، حَبَالِک، رَحْمَتِک «۴ مرتبه»، اِنَک «۳ مرتبه»، جَنَابِک، حِیَاضِک «دو مرتبه»، بَابِک، مَشِیِّتِک، عَفْوِک، لُطْفِک، رَافَتِک، یَدِک، حَمْدِک، قَدْرِک، یَخَافِک، یِهَابِک، قَدْرَتِک، کَرَمِک، فَضْلِک، مَوَاهِبِک،	الله
ضمیر «یاء» متکلم ۵۶ بار: اَرْقَدْنِی، اَیْقَظْنِی، مَنَحْنِی، عَنِّی، اَلْبَسْنِی، جَنَانِی، اِلَهِّی «۴ مرتبه»، مَتِّی، تَبْتَذِنِّی، بَیِّی، اَسْلَمْتِنِی، عَشْرَاتِی، خَذْلَنِی، وَکْلَنِی، اُتْرَانِی، بَاعِدْتِنِی، ذَنْوِبِی «سه مرتبه»، نَفْسِی «سه مرتبه»، رَجَائِی «سه مرتبه»، اَهْوَانِی «دو مرتبه»، وَلَانِی، زَلَلِی، خَطَائِی، اَقْلَنِی، رَدَائِی، سَیْدِی، مَوْلَای، مَنَای، مَعْتَمِدِی، مَطْلُوبِی، مَنَقْلِبِی، مَثْوَای، صَبَاحِی، مَسَائِی، نَدَائِی، دَعَائِی، اُمَلِی، حَاجَتِی، تَرَدْنِی، قَلْبِی، عَقْلِی، هَوَانِی، طَاعَتِی، مَعْصِیَتِی، لَسَانِی، حِیْلَتِی	امام علی علیه السلام
ضمیر «ت» متکلم ده بار: اَنْزَلْتُ، اُتِیتِک، عَلَقْتُ، قَرَعْتُ، هَرَبْتُ، عَلَّقْتُ، اَجْرَمْتُ، کُنْتُ، دَرَأْتُ، وَکَلْتُ	امام علی علیه السلام

1. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 552.

۲. «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، ص ۷۸-۷۹.

الله	ضمیر «ت» مخاطب هفت بار: أَلَفْتُ، فَلَقْتُ، أَنْزَلْتُ، أَنْهَرْتُ، أَنْزَلْتُ، جَعَلْتُ، أَبْتَدَأْتُ
الله محمد ﷺ علی ﷺ	ضمیر «ه» غایب بیست بار: ۱. تَبَلَّجْه، تَلْجَلْجْه، تَبَرَّجْه، تَأَجَّجْه، ذاته «دو مرتبه»، مخلوقاته، کیفیات، اُمنه، اُمانه، مننه، احسانه، یده، سلطانه، خلقه ۲. آله «سه مرتبه» ۳. أَجْرْمَتْه.
الزمن النفس ذنوبی أهوائی ذنوبی	ضمیر «ها» دوازده بار: ۱. زحالیفها ۲. هواها، لها «سه بار»، ظنونها، مناها، جراتها، سیدها، مولاها، عقلتها، ۳. درأتها ۴. وکلتها، ۵. کلها
الله نصر خذلان مسترشدا ظمان «من» موصوله	ضمیر مستتر «هو» ۲۶ بار ۱. دلح، سَرَّح، أَتَقَن، شَعْشَع، دَلَّ، تَنْزَه، جَلَّ، قُرْب، بَعْدَ، عِلْم، أَرْقَد، أَيْقِظْ، مَنْح، كَفَّ، تَوَخَّذْ، قَهْر، دُعَى، صَلَّى ۲. خذل ۳. وکل ۴. قصد ۵. ورد ۶. يعرف يخاف، يعلم، يهاب

اسم موصول	مرجع
اسم موصول «من» ۱. یا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقٍ تَبْلُجِهِ، يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ، يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضُّرِّ، فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَالْبَقَاءِ، يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِ ۲. تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدِلُّ مَنْ تَشَاءُ، ۳. مَنْ ذَا يَعْرِفُ قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَمَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ ۴. فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ، فَمَنْ الْمُقِيلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاتِ الْهَوَى	خداوند هرآن کس که خداوند بخواهد به او سلطنت دهد یا سلطنت را از او بگیرد و هرآن کس که بخواهد عزیزش دارد یا خوارش کند هرآن کس که قدر را بداند و او را بشناسد کسی او را به راه روشن هدایت کند (خداوند)، کسی از لغزش های انسان در گذرد (خداوند)
اسم موصول «ما»	مرجع
عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ، فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّ كُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِي وَخَطَايِي، أَنْتَ قَادِرٌ عَلَى مَا تَشَاءُ، مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ، فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا	آنچه که بوده است آنچه که مرتکب شده ام آنچه که بخواهی آنچه که هستی گمان های بی مورد
اسم اشاره هذه	مرجع
هَذِهِ أَرْمَتْ نَفْسِي عَقْلَتَهَا بِعَقَالِ مَشِيَّتِكَ وَهَذِهِ أَعْبَاءُ دُنُوبِي دَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَاؤِي الْمُضِلَّةُ	عبارت های ماقبل

همان طور که در جدول مشاهده می شود، در این دعا تمامی ارجاعات با ضمایر بارز و مستتر و ارجاع از نوع ارجاع درون متنی است که بسامد بالایی برخوردار است و نقشی بسزا در انسجام متن ایفا می کند، چرا که بعضی از مرجع ها در عبارت های متعدد به آن ها ارجاع داده شده است و به دلیل مبهم بودن این اسم ها در زبان عربی برای فهمشان باید به مراجع آن ها رجوع کرد که این امر سبب ایجاد ارتباط بین واژگان و عبارت ها شده است. تکرار ۳۸ باره ضمیر مخاطب و بسامد بالای آن بر محوری بودن این واژه در متن دعا دلالت دارد.

۲-۳-۲. حذف

حذف به معنای حذف یک یا چند کلمه از یک عبارت در مقایسه با جملات پیشین است. گاهی برخی کلمات یا اجزای یک متن، به منظور اختصار و جلوگیری از تکرار، حذف می شوند. وجود قرینه برای حذف ضروری است تا از ایجاد ابهام در متن جلوگیری شود. حذف یک پیوند درون متنی محسوب می شود و در بیشتر موارد، عنصر پیش انگاشته در متن قبلی وجود دارد.^۱

حذف به دو دلیل در ایجاد انسجام متن نقش دارد:

الف) تکرار: عامل محذوف غالباً از عنصر مذکور، مفهوم یا متعلقات آن مشتق شده است؛ بنابراین اگر عامل محذوف در جمله ذکر شود، با عنوان «عامل تکرار» شناخته می شود. ب) ارجاع: حذف یک عامل از متن، اغلب با توجه به وجود قرینه در متن صورت می گیرد؛ از این رو، شناسایی واژه محذوف نیازمند شناسایی قرینه است و قرینه به عنوان مرجع واژه محذوف عمل می کند که ممکن است پیش از آن یا پس از آن در متن آمده باشد.^۲

جدول زیر حذف حروف، واژگان و جملات دعا را نشان می دهد:

عبارت استعمال شده در دعا	عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف
وَسَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بَغْيَايِبِ تَلْجُلُجِهِ	وَاللَّهِمَّ سَرَّحَ قِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بَغْيَايِبِ تَلْجُلُجِهِ
وَأَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ أَتَقَنَّ صُنْعَ الْفَلَکِ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبَرُّجِهِ
وَسَعَّشَمَ ضِيَاءُ الشَّمْسِ بُنُورَ تَأْجُجِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ سَعَّشَمَ ضِيَاءُ الشَّمْسِ بُنُورَ تَأْجُجِهِ
وَتَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ	وَاللَّهِمَّ يَا مَنْ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ

1. Cohesion in English, 144.

۲. «عوامل انسجام در سوره زلزال بر اساس نظریه هلییدی و حسن».

عبارت استعمل شده در دعا	عبارت اصلی به همراه عبارت محذوف
وَتَنْزَعَهُ عَنِ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ	وَاللّٰهُمَّ يَا مَنْ تَنْزَعُهُ عَنِ مُجَانِسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ
وَبَعْدَ عَنِ لَحَظَاتِ الْغُيُوثِ	وَاللّٰهُمَّ يَا مَنْ بَعْدَ عَنِ لَحَظَاتِ الْغُيُوثِ
وَعِلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ	وَيَا مَنْ عِلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ
وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ	وَصَلِّ اللّٰهُمَّ وَالنَّاصِعِ الْحَسَبِ فِي ذُرْوَةِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ
وَعَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ	وَصَلِّ اللّٰهُمَّ وَعَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ الْمُصْطَفَيْنِ الْأَبْرَارِ
وَأِنْ أَسْلَمْتَنِي أَتَأْتِكَ لِقَائِي الْأَمَلِ وَالْمُنَى	وَأِنْ أَسْلَمْتَنِي أَتَأْتِكَ لِقَائِي الْأَمَلِ وَالْمُنَى
وَأِنْ خَذَلَنِي بِتَصْرِيكِ عِنْدِ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ	وَأِنْ خَذَلَنِي بِتَصْرِيكِ عِنْدِ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ
فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَإِلَى حَيْثُ الْجِرْمَانِ	فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَإِلَى حَيْثُ الْجِرْمَانِ
فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمَنَاهَا	فَوَاهَا لَمَّا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمَنَاهَا
تَبَّأَ لَهَا لِحْرَائِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيَّهَا	تَبَّأَ لَهَا لِحْرَائِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيَّهَا
أَنْتَ غَايَةَ مَطْلُوبِي وَمُنَائِي	أَنْتَ غَايَةَ مَطْلُوبِي وَمُنَائِي
فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ	فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ
بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلظَّلَبِ وَالْوُغُولِ	بَابُكَ مَفْتُوحٌ لِلظَّلَبِ وَالْوُغُولِ
أَنْتَ غَايَةَ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةَ الْمَأْمُولِ	أَنْتَ غَايَةَ الْمَسْئُولِ وَنَهَايَةَ الْمَأْمُولِ
هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ	هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ
هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ	هَذِهِ أَهْوَائِي الْمُضِلَّةُ إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ
فَيَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْعَزِّ وَالْيَقَافِ	فَيَا مَنْ تَوَخَّذَ بِالْعَزِّ وَالْيَقَافِ
وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ	وَقَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ
وَحَقَّقَ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي	وَحَقَّقَ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَرَجَائِي

حذف در دعای صباح به صورت متعدد و در اشکال مختلف به کار رفته است. این حذف به سبب وجود قرینه و با توجه به ساختار متن شکل گرفته، بنابراین موجب ابهام یا سردرگمی در ذهن مخاطب نشده و خللی در استمرار و تداوم معنا ایجاد نکرده است؛ زیرا جمله موجود با اتکا به قرینه، به بخش محذوف اشاره می‌کند.

حذف در دعای صبح با پرهیز از تکرار برخی عبارات دارای قرینه، موجب اختصار متن و جلوگیری از اطناب شده است. همچنین این ویژگی باعث پویایی ذهن مخاطب می‌شود، زیرا خواننده ناگزیر است برای درک کامل معنا، به دنبال قرینه و مرجع جمله محذوف بگردد و در نتیجه به جمله‌های پیشین رجوع کند تا مفهوم را به طور کامل دریافت نماید.

برای نمونه، در عبارت «یا مَنْ سَرَّحَ قُطْعَ اللَّیْلِ الْمُظْلِمِ بَعِیَا هِبَ تَلْجُلْجِهَ وَ أَتَقَنَّ ضَنْعَ الْفُلْکِ الدَّوْرِیِّ فِی مَقَادِیرِ تَبْرِجْجِهَ وَ شَعَشَعَ ضِیَاءُ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجْجِهَ»، عبارت «اللهم یا من» سه بار به دلیل وجود قرینه حذف شده است. خواننده به محض رسیدن به واژه «سَرَّحَ»، به طور ناخودآگاه به قرینه «اللهم یا من» در ابتدای عبارات رجوع می‌کند و آن را در ذهن خود بازسازی می‌نماید. این ارجاع ذهنی و بازتولید قرینه، موجب انسجام بیشتر متن می‌شود. چنین پیوندی میان عبارات و رجوع به بخش‌های پیشین، نقش مهمی در شکل‌گیری انسجام متنی ایفا می‌کند.

۲-۳. جایگزینی

جایگزینی یکی از منابع انسجام بخش در حوزه دستوری است.^۱ در جایگزینی یک عنصر زبانی جایگزین عنصر زبانی دیگر می‌شود؛ یعنی ممکن است یک کلمه یا جمله جایگزین یک کلمه، جمله یا بند دیگر در یک متن شود.^۲ در این عنصر انسجامی، معنای دو کلمه یکی است، اما لفظی که بر آن دلالت می‌نماید، تغییر یافته است. بنابراین، عامل جایگزینی را می‌توان از انواع تکرار معنایی نیز برشمرد.^۳

تفاوت جایگزینی و ارجاع در این است که جایگزینی بیشتر ارتباط در سطح عبارت‌پردازی است، ولی ارجاع ارتباط معنایی دارد.^۴ در عبارت‌های زیر عامل جایگزینی کار رفته است:

1. An introduction to functional Grammar, 535

۲. «عوامل انسجام در سوره زلزال بر اساس نظریه هلیدی و حسن».

۳. «عوامل انسجام متن در سوره نوح»، ص ۷۸.

4. Cohesion in English, 88.

در عبارت‌های زیر عامل جایگزینی به کار رفته است:

۲۰. یا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ، ویا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ، یا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ؛

ای که راهنمایی کرد بر خودش به خودش، ای کسی که نزدیک است به گمان‌هایی که درباره او بردل‌خطور کند، ولی دور است از چشم‌انداز دیگران و ای کسی که مرا در گهواره آسایش و امنیت خود به خواب برد.

در این عبارت منادی «یا من» جانشین منادی «اللهم» شده است.

۲۱. إِلَهِي هَذِهِ أَرْمَةُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعُقَالِ مَشِيَّتِكَ، وَهَذِهِ اِعْبَاءُ ذُنُوبِي ذَرَأَتْهَا بِعَفْوِكَ وَ رَحْمَتِكَ، وَهَذِهِ اِهْوَائِي الْمَضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَ رَأْفَتِكَ؛

خدایا این مهارهای نفس من است که به پای بند مشیت تو آن‌ها را بستم و این است بارهای سنگین گناهانم که به امید عفو و رحمت تو بر زمین نهادم و این است هوس‌های گمراه‌کننده‌ام که به آستان لطف و مهرت سپردم.

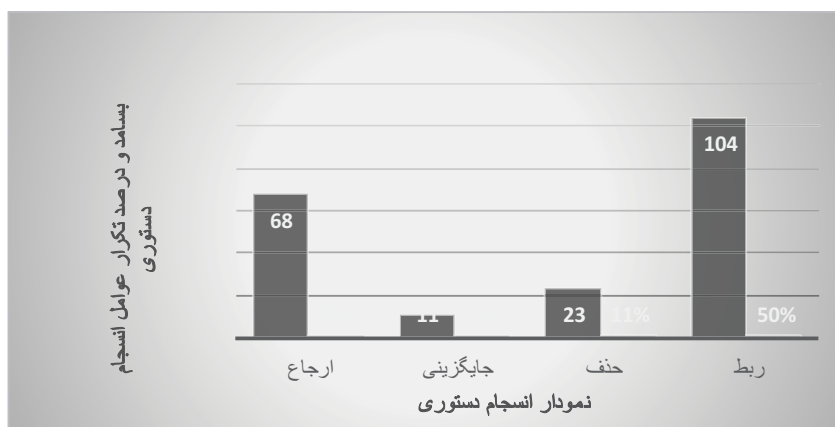
در این عبارت واژه «هذه» جایگزین واژه عبارت‌های ماقبل شده است.

۲۲. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ» در این عبارت ضمیر «أنت» جایگزین واژه «أنت» شده است.

۲۳. «صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ» ضمیر «ه» در اله جایگزین واژه «محمد» شده است.

۲۴. «یا کریم یا کریم یا کریم» و «یا عَفَّارُ یا عَفَّارُ یا عَفَّارُ» واژه‌های «کریم» و «غفار» جایگزین واژه «اللهم» شده است.

در نمودار زیر بسامد انسجام دستوری در دعای صبح نمایان است.



۲-۴. انسجام پیوندی^۱

انسجام پیوندی از ارتباط معنایی و منطقی بین عبارات یک متن حاصل می‌شود. در هر متنی نوعی ارتباط مفهومی و منطقی وجود دارد که بین ساختار متن ارتباط برقرار می‌کند. انسجام ربطی بین عبارات برقرار می‌شود. در هر زبان، واژه‌ها و جملاتی وجود دارد که خواننده و شنونده را از بندی به بندی دیگر منتقل می‌کنند.^۲ انسجام پیوندی شامل چهار ارتباط اضافی^۳ سببی،^۴ تقابلی^۵ و زمانی^۶ است.^۷

آنچه از انواع عوامل پیوندی در متن دعای صباح از بسامد بالایی برخوردار است، ارتباط اضافی است که به شرح آن‌ها و موارد ذکر شده در دعا اشاره می‌کنیم.

۲-۳-۱. ارتباط اضافی

ارتباط اضافی زمانی صورت می‌گیرد که جمله مطلبی را به محتوای جمله قبل اضافه کند. این جمله‌های اضافی می‌تواند جنبه توضیحی، تمثیلی یا مقایسه‌ای داشته باشد.^۸ این نوع از ارتباط با دو حرف «واو و فاء عطف» صورت گرفته است. حرف واو ۹۱ بار و حرف فاء عطف سیزده بار در متن دعا تکرار شده است. بسامد بالای تکرار حروف عطف در متن دعا، انسجام متنی زیبایی را ایجاد کرده است. این حروف جمعا ۱۰۴ بار تکرار شده است که هر حرف عطف، دو واژه، دو عبارت و یا دو جمله را به هم مرتبط ساخته است. به نوعی بین ۲۰۸ واژه یا عبارت یا جمله ارتباط برقرار شده است.

نتیجه‌گیری

بررسی واکاوی انسجام «واژگانی»، «دستوری» و «پیوندی» در دعای صباح امام علی علیه السلام نشان می‌دهد که این نظریه در شناسایی ابعاد انسجام، پیوستگی و هماهنگی متن، به

1. Conjunctive cohesion

2. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 2004, 534

3. Additive relation

4. causal

5. adversative

6. temporal

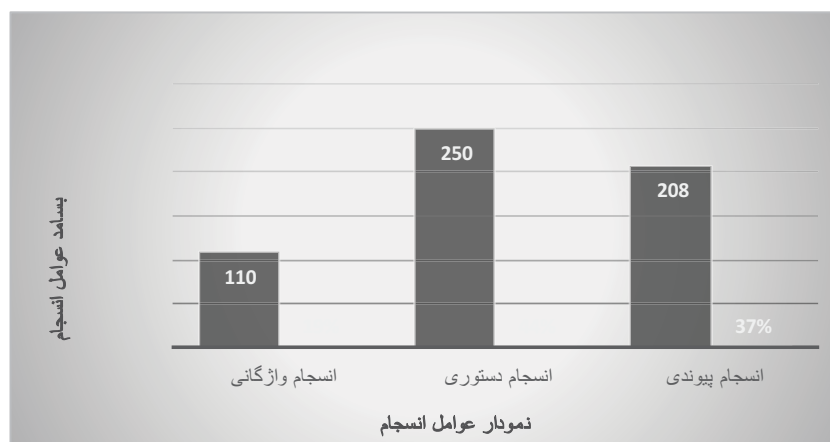
7. Halliday.m.a.k.matthiessen,christain, 200,545

۸. «عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، ص ۱۵.

نگارنده یاری رسانده است. این شگردهای زبانی در حوزه‌های واژگانی و نحوی، با حضور واژگان تکرارشونده، متنی منسجم و یکپارچه پدید آورده‌اند. اهمیت عناصر واژگانی و دستوری به عنوان عوامل انسجام، در ایجاد وحدت و هم‌بستگی متن دعای صباح کاملاً مشهود است.

بر پایه این نظریه، مجموع نمونه‌های انسجام به ۶۱۶ مورد می‌رسد که رقمی قابل توجه و چشمگیر به نظر می‌آید.

در نمودار زیر بسامد تکرار عوامل انسجام نمایان است:



- از میان عناصر انسجام متن در دعای صباح، تکرار لفظی، شمول معنایی، هم‌معنایی، مراعات النظیر و تضاد با بسامد ۱۹/۰، ارجاع (با ضمیر، اسم اشاره و اسم موصول) و جایگزینی اسم به جای اسم با بسامد ۴۴/۰، و حروف ربط افزایشی با بسامد ۳۷/۰ به کار رفته‌اند. بیشترین عنصر انسجامی در دعای صباح به «ارجاع» اختصاص دارد که در حوزه انسجام دستوری قرار می‌گیرد.

- در دعای صباح، عنصر ارجاع از بسامد بالایی برخوردار است. همچنین ارتباط افزایشی که از عناصر انسجام پیوندی محسوب می‌شود نیز فراوانی قابل توجهی دارد. در میان عوامل انسجام واژگانی می‌توان مشاهده کرد که برخی واژه‌ها یا عبارات به صورت آگاهانه تکرار شده‌اند و این تکرار، در بردارنده دلالت‌های معنایی و حتی ایدئولوژیک است. واژگان تکرارشونده در دعای صباح به صورت اسمی و فعلی به کار رفته‌اند و نقش مهمی در انسجام دعا داشته و موجب شکل‌گیری پیوندی منسجم میان عبارت‌های این متن شده‌اند.

- در متن دعا، عنصر ندا نیز با بسامد بالایی دیده می‌شود و غالباً با الفاظی چون «إلهی»، «اللهم» و «یا» تکرار شده است که نشان‌دهنده شوق و اشتیاق گوینده نسبت به مخاطب خویش است.

- در این دعا، واژگان هم معنا در تناسب با محور کلی متن قرار دارند. امام علیه السلام با برجسته‌سازی این واژه‌ها، از یک سو به متن جذابیت بخشیده و از سوی دیگر انسجام آن را تقویت کرده‌اند. همان‌طور که حذف نیز در دعای صباح با جلوگیری از تکرار برخی جملات دارای قرینه، موجب ایجاز متن و پرهیز از اطناب شده است.

- بر اساس نمودارهای ترسیمی عناصر انسجام در دعای صباح، می‌توان نتیجه گرفت که انسجام و پیوستگی در این دعا از بسامد بالایی برخوردار است و واژگان و عبارات سازنده متن ارتباطی عمیق و درونی با یکدیگر دارند. این امر باعث شده است ساختار دعا همچون یک کل یکپارچه عمل کند که تمامی اجزای آن با یکدیگر در ارتباط‌اند. در این میان، کم‌بسامدترین عنصر انسجامی، شمول معنایی است.

کتابنامه

قرآن کریم

درآمدی به اصول و روش ترجمه، کاظم لطفی پور ساعدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ هفتم، ۱۳۸۵ ش.

روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، محمد باقر بن زین العابدین خوانساری، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۶ ش.

زبان، بافت و متن، (جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی - نشانه‌شناختی)، مایکل هلیدی و رقیه حسن، مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، تهران، نشر علمی، ۱۳۹۳ ش.

زبان، بافت و متن، مایکل هلیدی و رقیه حسن، محسن نویخت، تهران، سیاه‌رود، ۱۳۹۳ ش.

علم لغة النص النظری و التطبيق، عزة شبل محمد، المجلد الثاني، القاهرة، مكتبة الآداب، ۲۰۰۹ م.

فرونگ بزرگ جامع نوین ترجمه المنجد، احمد سیاح، تهران، چاپخانه منفرد، چاپ نوزدهم، ۱۳۷۷ ش.

گفتمان و ترجمه، علی صلح جو، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷ ش.

مفاتیح نوین، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.

نقد بر مبانی زیبایی‌شناسی و تأثیر آن در نقد عربی، رزغریب، نجمه رجایی، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

«أثر التكرار في التماسك النصي نقاربة معجمية تطبيقية في ضوء مقالات د. خالد منيف»، نوال بنت إبراهيم حلوه، مجلة جامعة أم القرى لعلوم اللغات و آدابها، العدد الثامن، ۲۰۱۲ م.

«بررسی عوامل انسجام متن در داستان حضرت موسی (ع) با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، مهدی مسبوق و شهرام دلشاد، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال چهارم، شماره اول، ۱۳۹۵ ش.

«تحلیل گفتمان دو سوره فلق و ناس بر اساس الگوی فرانقش متنی هلییدی»، سید حسن سیدی و سمیه بیگ قلعه جوقی، فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی، سال هفتم، شماره دوم، ۱۳۹۸ ش.

«رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، فردوس آقاگل زاده، و مریم سادات غیاثیان، مجله زبان و زبان‌شناسی، دوره سوم، ۱۳۸۶ ش.

«شرح دعای صباح امیر مؤمنان علی (ع)»، محمد وفادار مرادی، گلستان قرآن، دوره جدید، شماره ۴۳، ۱۳۷۹ ش.

«عوامل انسجام در سوره زلزال بر اساس نظریه هلییدی و حسن»، احمد پاشازانوس و مریم نبی‌پور، پژوهش‌نامه معارف قرآن، دوره ۸، (۱۳۹۶).

«عوامل انسجام متنی در سوره نوح»، یونس ولینی و دیگران، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۵ ش.

«کارایی نظریه هلییدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل»، عزت ملا ابراهیمی و زهرا رضایی، مجله مطالعات متون اسلامی، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۹۹ ش.

Spoke and written language. Gb. Oup Halliday. M.A.K, (1989)

Cohesion in English, Halliday. M.A.K and Ruqaiya Hasan, london lonhman. (1967).

Cohesion in English, Halliday. M.A.K and ruqaiya Hsan, , london longhman (1976).

Linguistic Studies of Text and Discourse, Halliday, M. A. K. London: Continuum. (2002)

An intrudocion to functional Grammar. Halliday. m.a.k. matthiessen, christain (2004)